

ارزش اقتصادی شغل زن پزشک و تفاهم اقتصادی همسران

منیژه مقصودی^۱

شفیقه شفقت^۲

تاریخ پذیرش: ۹۳/۳/۱۶

تاریخ دریافت: ۹۲/۹/۲۶

چکیده

پزشکی از مشاغل پردرآمد در ایران، به‌ویژه برای زنان، به‌شمار می‌رود. پژوهش درباره تفاهم اقتصادی زنان پزشک به دلیل قرارگرفتن در اوج اقتدار اقتصادی، بیش از بررسی تفاهم اقتصادی مشاغل دیگر می‌تواند در خصوص سنجش درستی ایده «افزایش اقتدار اقتصادی = افزایش تفاهم اقتصادی» گویا باشد.

روش پژوهش در این زمینه، پیمایشی و ابزار آن پرسشنامه است. براساس نتایج پژوهش، بیش از ۹۰ درصد زنان پزشک، در تأمین نیازها و مخارج خانواده، به شوهرشان کمک می‌کنند و این هزینه‌کردها با میل و رغبت و احساس مسئولیت در مقابل هزینه‌های خانواده است. با توجه به اینکه مسئولیت مهم شوهر در خانه و خانواده، سرپرستی و تأمین هزینه‌های زندگی است، با این‌حال بیش از ۵۲ درصد شوهران در این‌گونه خانواده‌ها، از خرج‌نشدن درآمد زن در مخارج خانواده، ناراضی‌اند. درنهایت تفاهم اقتصادی همسران در این پژوهش با متن و دیدگاه‌های اسلامی برابری می‌کند و نشان می‌دهد که هرچا اقتدار اقتصادی شوهر بیشتر از جایگاه اقتصادی زن بوده تفاهم بیشتر است از خانواده‌هایی که جایگاه مرد و زن در تأمین مخارج خانواده جابه‌جا شده است.

واژه‌های کلیدی: استقلال اقتصادی، اقتدار اقتصادی، تفاهم اقتصادی، زن پزشک، شغل.

۱. استادیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)، maghsudi@ut.ac.ir

۲. کارشناس ارشد مطالعات زنان، shafaghatshafiqeh@yahoo.com

مقدمه

زن و مرد دو موجود الهی هستند که از پیوندشان واحد کوچکی از اجتماع یعنی خانواده تشکیل می‌شود و هر یک وظیفه خاصی در پیشبرد خانواده به‌سوی کمال و موفقیت دارند. «تفاهم همسران» یکی از عوامل اصلی در قوام و استمرار روابط خانوادگی است. تفاهم مقوله‌ای بیشتر فرهنگی و اجتماعی است، اما تأثیر مسائل اقتصادی بر شکل‌گیری، افزایش و نیز بر تضعیف و کاهش آن مهم و حساس است. این مسئله بیش از همه در خانواده‌هایی وجود دارد که درآمد زنان، برابر و به‌خصوص بالاتر از درآمد همسرانشان است.

در بسیاری از نظام‌های اجتماعی، زنانی که موقعیت اقتصادی بهتری دارند، بیشتر متکی به خود بوده و دارای موقعیت بالاترند، احساس آزادی بیشتری دارند و به لحاظ اقتصادی نه تنها متکی به دیگران نیستند، بلکه به خانواده و دیگران نیز کمک می‌کنند. همچنین در نظام اجتماعی سنتی به دلیل تعلق نگرفتن حقوق به خانه‌داری زن در میان اکثریت خانواده‌ها و نیز کمتر بودن درآمد بیشتر زنان شاغل در خارج از خانه نسبت به مردان، «تفاهم اقتصادی همسران» چندان مطرح نبوده است. اما در سال‌های اخیر، از آنجا که درآمد اقتصادی زن در خانواده مساوی یا حتی بیشتر از شوهر است؛ به دلیل بالابردن آزادی عمل زن در تدبیر روابط اقتصادی خانواده و افزایش قدرت تدبیر او در نظام تصمیم‌گیری خانواده، نقش زن را از «مشاور اقتصادی مرد» به «معادل اقتصادی مرد» ارتقا می‌دهد و این‌گونه «تفاهم» جانشین «مشورت» می‌شود. به‌عبارت دیگر ارتقای جایگاه اقتصادی زن ناشی از افزایش درآمد مالی او، روابط اقتصادی همسران را از حالت نسبتاً یک‌طرفه مردانه به توازن یا شبه‌توازنی از نوع مردانه - زنانه تبدیل می‌کند. اما چه اندازه ممکن است این افزایش اقتدار زنانه بر جنبه‌های گوناگون زندگی همچون «تفاهم اجتماعی» مانند سفرهای کاری، اداری یا «تفاهم فرهنگی» همچون روابط دوستان و همکاران (حق و حقوق غیراقتصادی) یا «تفاهم اقتصادی» او با همسرش مؤثر باشد؟ زن در اقتصاد خانواده حق و حقوقی دارد، از جمله «نفقه»، «مهریه»، «ارث» و «مالکیت بر اموال و دارایی خود». همچنین «زن مالک درآمد ناشی از کار خارج از خانه خود» نیز هست که موضوع این پژوهش است. پزشکی در ایران یکی از پولسازترین شغل‌ها، به‌ویژه برای زنان، به‌شمار می‌رود. با توجه به موقعیت اجتماعی و درآمد بالای این شغل برای زنان از سویی و وجود احکام شرعی و اسلامی و قوانین مدنی درباره «مالکیت بر درآمد و اموال» از سوی دیگر؛ درصدد شدیم تا با

توجه به تعاریف «اختیار در اموال و درآمد ناشی از کار خارج از خانه» پزشکان زن، تأثیر چگونگی هزینه‌کرد آن بر مسائل اقتصادی خانواده همراه با رضایتمندی اقتصادی همسران را بررسی کنیم.

تأملی بر ادبیات پژوهش

مطالعات و نظریه‌های مربوط به اشتغال زنان به دو گروه اصلی تقسیم شده است:

الف) مطالعات هنجاری‌ای که درباره جواز اشتغال زنان یا فقدان جواز اشتغال زنان انجام می‌شود. بررسی اینکه براساس مبانی انسان‌شناختی، مذهبی، قانونی و اقتصادی، وضعیت مجوز اشتغال زنان به چه صورت است.

ب) مطالعات جامعه‌شناختی- مردم‌شناختی درباره وضعیت اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی جوامع پس از اشتغال زنان. اینکه اشتغال زنان چه آثاری بر شرایط خود و دیگران در زمینه‌های مختلف خواهد گذاشت یا گذاشته است. این دسته از مطالعات خود به دو دسته اصلی تقسیم می‌شود:

۱. آثار اشتغال زن بر روابط او در اجتماع (مطالعات غربی)؛

۲. آثار اشتغال زن بر روابط و شرایط خانواده (مطالعات اسلامی- ایرانی).

بیشتر مطالعات غربی و ایرانی درباره آثار (چالش‌ها یا فرصت‌های) اشتغال زنان بر فضای غیرخانوادگی بوده است، اما تأثیر اشتغال بیرون از خانه زنان بر روابط خانوادگی آنها در زمینه‌های مختلف و نیز مزایا و محدودیت‌های اشتغال زنان درباره روابط خانوادگی ایشان، کمتر بررسی شده است.

به اعتقاد کاستلز (۱۳۸۲: ۲۱۶) مشارکت کامل زنان در مشاغل درآمدزا، سهم اقتصادی زنان در بودجه خانواده را بااهمیت می‌کند؛ به همین دلیل قدرت چانه‌زنی زنان در خانواده بسیار افزایش می‌یابد. در این فرض، زنان می‌توانند بدون واهمه از واکنش‌های تند درباره اختلاف‌ها، گفت‌وگو و امتیازگیری کنند و ساختار عمومی خانواده را به چالش بکشند. زنان رفته‌رفته به این باور می‌رسند که اگر همچون همسرانشان ساعت‌ها بیرون از خانه‌اند و هر دو در تأمین مخارج خانواده سهیم‌اند، چرا شوهران در فعالیت‌های خانگی مشارکت یکسان نداشته باشند؟ این پرسش‌ها روزبه‌روز جدی‌تر می‌شود. از سوی دیگر براساس بیشتر پژوهش‌ها درخصوص اشتغال زنان چه منابع غربی و چه ایرانی، تمرکز بر زنانی بوده است که از اشتغال خارج از خانه،

درآمد متوسط یا بالاتر از متوسط داشته‌اند. به عبارت دیگر اشتغال زنان این پژوهش، هرگز نتوانسته آنها را از موقعیت فرودست لزوماً به موقعیت فرادست یا دست‌کم برابر با همسرانشان ارتقا دهد. این درحالی است که مسئله این پژوهش، بررسی زندگی و زمانه پس از اشتغال زنانی است که درآمد اقتصادی ناشی از اشتغال آنها منجر به موقعیت اقتصادی فرادست یا شبه‌فرادست یا مساوی با همسرانشان شده است. علت اهمیت بررسی زندگی و زمانه زنان این است که ممکن است چشم‌اندازی در راستای درک شرایط دگرگون‌یافته اقتصاد جنسیتی را ترسیم کند. توضیح بیشتر اینکه در اغلب پژوهش‌ها و نظریه‌ها، نوعی چشم‌داشت پنهان، اما ملموس برای تحقق آرمان اشتغال و ارتقای اقتصادی همه‌جانبه زنان دیده می‌شود. گویا همه آنها می‌کوشند به نوعی تدبیری نظری و عملی برای اشتغال راحت‌تر و پردرآمدتر زنان به منظور ارتقا اقتدار اقتصادی ایشان در جامعه و خانواده به‌کارگیرند. در این شرایط بررسی زندگی زنانی که به این آرمان دست یافته‌اند به مثابه نوعی آینده‌پژوهی و تخمین شرایط آینده‌آرمانی درک‌پذیر است. از این‌رو زندگی و زمانه زنان پزشک و زنان و زایمان مدنظر قرار گرفت که بیشترین درآمد را در میان زنان شاغل ایرانی و حتی مردان دارند. درآمد این زنان به قدری زیاد است که آنها را در اغلب موارد اگر در موقعیت فرادست اقتصادی قرار ندهد دست‌کم به موقعیت برابری با مرد می‌رساند. اکنون پرسش تحقیق این است که زنان با موقعیت جهش‌یافته درآمدی و در اقتدار اقتصادی در قیاس با شوهرشان چقدر توانسته‌اند در زمینه تفاهمات اقتصادی موفق‌تر و با اعتمادبه‌نفس بیشتری در استیفای حقوق اقتصادی و مشارکت و امتیازهای اقتصادی دیگر ظاهر شوند؟ به عبارت دیگر اقتدار اقتصادی مناسب زنان تا چه اندازه می‌تواند آنها را در تفاهم با همسر برای پیشبرد ایده‌ها، سلاقی، علایق و حقوقشان یاری دهد؟ جالب اینکه در مجموعه مطالعات و نظریه‌های ارائه‌شده قبلی درباره اشتغال زنان، مواردی که ناظر به چنین پرسش‌هایی ارائه شده باشد مفقود است. درحقیقت نظریه‌ای درباره تحولات مربوط به روابط خانوادگی زنان پس از اشتغال آنان در شغل‌های بسیار پردرآمد با چشم‌انداز شناختی یا فرضیه‌ای وجود ندارد. اغلب نظریه‌های پیشین درباره «دو شغله‌بودن یا شاغل‌نبودن» و «تحولات پس از اشتغال زنان در زمینه‌های غیرخانوادگی» است؛ حتی در صورت وجود پژوهشی درباره تحولات پس از اشتغال زنان در زمینه مربوط به خانوادگی (اعم از اقتصادی/ عاطفی/ زناشویی و...)، عمدتاً تمرکز بر زنان شاغل با درآمد متوسط (نه خیلی زیاد) بوده است. بنابراین این پژوهش به دلیل

فقدان نظریه‌ها یا مطالعات مرتبط به پرسش اصلی، خود تحقیقی اکتشافی به‌شمار می‌آید. در ادامه به جنبه حقوقی مسئله می‌پردازیم.

حقوق در خانواده

خانواده، واحد کوچک اجتماعی است که از پیوند میان دست‌کم یک زن و یک مرد آغاز می‌شود و با فرزند در یک خانه مشترک، توسعه و استحکام می‌یابد. امروزه در کشورهای اروپایی از جمله سوئد، که یکی از کشورهای حامی تساوی انسان‌ها از لحاظ درآمد است، خانواده متشکل از دست‌کم یک زن و یک مرد یا دو مرد و دو زن یا یکی از آنهاست که با هم زندگی می‌کنند و سرپرستی فرزندی را برعهده دارند (واحدی، ۱۳۸۷: ۲۳). در اسلام و در ایران، ازدواج برای انسان نوعی نیاز طبیعی است که با اجرای صیغه عقد مشروعیت و رسمیت می‌یابد (امینی، ۱۳۹۰: ۱۵). خانواده در ایران واحد بنیادی جامعه است. براساس اصل دهم قانون اساسی، همه قوانین و مقررات مربوط به جامعه نیز می‌بایست در راستای آسان‌کردن تشکیل خانواده و پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد.

حقوق و وظایف زن و شوهر در خانواده ایرانی - اسلامی: خانواده از دیدگاه اسلام، واحد کوچک اجتماعی است که اجتماع‌های بزرگ‌تر از همین واحدها تشکیل می‌شود. در این واحد کوچک، زن و مرد با پرهیز از تفکر فردی باید به مجموع اعضا فکر کنند. ارتباط بین زن و شوهر، مانند دو شریک یا دو همسایه یا دو دوست نیست، بلکه بسیار ارزشمندتر و گونه‌ای یگانگی است. همچنان که در آیه ۲۱ سوره روم آمده است: «و از نشانه‌های خداست که از نفس خود شما برایتان زوج بیافرید تا به آنان آرامش و سکون بیابید و بین شما محبت و دلسوزی قرار داد و در این موضوع برای کسانی که اهل تفکر باشند نشانه‌هایی است.» اسلام به تحکیم بنیاد خانواده و حسن ارتباط بین زوجین توجه کامل دارد و برای هر یک از آنان وظایف و حقوقی را مشخص کرده است. از وظایف مشترک زن و شوهر به حُسن معاشرت، جلب توجه همسر، کام‌دهی، نگهداری و تربیت فرزندان اشاره می‌کند. همچنان‌که در آیه ۱۹ سوره نسا نیز آمده است، رفتار زن و شوهر نسبت به همدیگر باید کاملاً پسندیده باشد: «با زنان به شیوه معروف زندگی کنید.» زن و شوهر موظفند در نظافت، لباس پوشیدن و اصلاح سروصورت، خواسته‌های یکدیگر را در نظر بگیرند. گرچه لذت‌جویی و ارضای غریزه جنسی کل هدف ازدواج نیست، یکی از اهداف مهم و محرک اول در ازدواج است و در تحکیم بنیاد خانواده و حُسن رابطه

زوجین تأثیر بسزایی دارد. همچنین نگهداری از فرزندان و حفظ سلامت و پرورش جسم و جان و تعلیم و تربیت آنان وظیفه مشترک پدر و مادر است و به همفکری، همکاری و جدیت آنان نیاز دارد. پدر در این زمینه مسئولیت سنگین تری برعهده دارد، اما نقش مادر حساس تر و سازنده تر است (امینی، ۱۳۸۴: ۶۸).

همچنین زن و شوهر هر یک، وظایف مخصوصی برعهده دارند. مرد علاوه بر وظایف مشترک، به علت چگونگی آفرینش، وظایف خاصی را نیز برعهده دارد که از آن جمله به سرپرستی خانواده، تأمین نفقه، اکرام و مدارا و مراقبت‌های دینی و اخلاقی اشاره می‌شود. خداوند در آیه ۳۴ سوره نسا می‌فرماید: «مردان از آن جهت که خدا برخی را بر بعضی برتری داده است و از آن جهت که از مال خود نفقه می‌دهند، بر زنان سرپرستی و قیمومت دارند. پس زنان شایسته، در غیبت شوهرانشان، با حفظ خود، عفت خود را نگه می‌دارند.» با توجه به آمادگی بیشتر مردان در مقابل تحمل دشواری‌ها، مسئولیت سرپرستی خانواده برعهده آنان نهاده شده است. ناگفته نماند که منظور از سرپرستی مرد این نیست که با اعمال قدرت و خودمحموری، خانواده را اداره کند و فعال‌مایشاء باشد و به سایر اعضای خانواده حق اظهار نظر ندهد؛ زیرا سرپرست و مدیر باتدبیر خوب می‌داند که اداره هیچ مؤسسه کوچک یا بزرگی با زور و خودمحموری امکان‌پذیر نیست، به‌ویژه اداره کانون خانواده که باید محل آسایش، آرامش و پرورش کودکان باشد. هدف از در رأس امور قرارگرفتن، برنامه‌ریزی مناسب برای اداره خانواده با مشاوره و تبادل نظر سایر اعضای خانواده، جلب همکاری آنان در اداره امور، تفاهم در حل مشکلات، تصمیم‌گیری و حرف آخر را زدن در موارد اختلاف است. در اسلام تأمین همه هزینه‌ها و مخارج زندگی خانواده برعهده مرد گذاشته شده است. از سویی مرد وظیفه دارد به مسائل اعتقادی، اخلاقی و دینی همسرش نیز توجه داشته باشد و در این باره خود به همسرش کمک کند یا شرایط آموختن آن را برایش فراهم کند. همچنین موظف است قدردان همسرش باشد و او را نعمتی الهی بداند (همان).

وظایفی که اسلام برای زن در نظر گرفته اگر سنگین تر از وظایف شوهر نباشد هم‌ردیف با وظایف شوهر است. در یک جمله کوتاه، خوب شوهرداری کردن زن در اسلام، هم‌ارزش جهاد بیان شده است^۱ (ر.ک: مجلسی، ج ۱۰۳: ۲۵۲). این جهاد برای زن عبارت است از پذیرفتن مقام

۱. قال علی (ع): جهاد المرأة حسن التبعل.

سرپرستی شوهر، حفظ موقعیت و جایگاه شوهر در خانواده و بین فرزندان، مشورت با همسر در کارهای مهم و اطاعت از دستورات (تا جایی که اگر در موردی شوهر، خروج از خانه را جایز ندانست و اجازه نداد، خارج نشود). زن با رفتار خوش و اخلاق نیک و محبت‌های خود، شوهر را دلگرم و خانه را به کانون صفا و محبت تبدیل می‌کند. در دشواری‌ها و گرفتاری‌ها به یاری شوهر می‌شتابد و از او دلجویی می‌کند. نسبت به اموال شوهر امانت‌دار است. بهترین لباس خود را در خانه می‌پوشد و برای شوهر آرایش و زینت می‌کند و... (امینی، همان: ۷۰).

حقوق اقتصادی خانواده در ایران: بی‌شک یکی از حقوق اساسی و محترم هر فرد، «حق مالکیت» است؛ زیرا ادامه حیات و بقای انسان در گرو تأمین نیازهای مادی اوست و تلاش و فعالیت انسان در فراهم کردن نیازهای مادی بر مبنای برخورداری از مال و «حق مالکیت» استوار است.

در خصوص مالکیت و استقلال مالی زن در اسلام و قوانین جمهوری اسلامی ایران نیز یکی از اصول مهم حاکم بر نظام حقوقی دین مقدس اسلام، اصل تساوی حقوق زن و مرد است، مگر آنکه بنا بر مصلحت خود آنها استثنایی وجود داشته باشد. در حقوق اسلام، اصولاً زن نسبت به شوهر تکلیف و وظیفه اقتصادی برعهده ندارد؛ در ضمن اینکه استقلال اقتصادی و اجتماعی دارد (فهیمی، ۱۳۹۰: ۶۷).

حق اشتغال و کسب درآمد: با اینکه از نظر اسلام زن تکلیفی در تأمین بودجه زندگی خانوادگی برعهده ندارد و تأمین هزینه زن و فرزند با عنوان «نفقه» از وظایف مرد است، براساس اصل ۱۱۱۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اگر زن بخواهد شغلی انتخاب کند و در آن اشتغال داشته باشد که منافی مصالح خانوادگی نباشد مختار و آزاد است؛ همچنین همان‌طور که اسلام به مرد اجازه دخل و تصرف در امور مالی خود را داده است، براساس اصل ۱۱۱۸ قانون اساسی نیز به زن این اجازه داده شده است که مستقیماً در امور مالی خود دخالت کند و معامله یا کار کند. مسئله‌ای که از نظر فقهی باید بدان توجه داشت این است که خروج زن از خانه باید با موافقت شوهر باشد؛ بنابراین چنانچه زن هنگام ازدواج شاغل نبوده یا شرایط اشتغال از شروط ضمن عقد او نباشد، مرد می‌تواند او را از اشتغال به هرگونه شغل و حرفه‌ای بیرون از خانه منع کند. همچنین اگر زن هنگام ازدواج شاغل بوده یا شرط اشتغال ضمن عقد گنجانده شود، زوج نمی‌تواند او را از ادامه شغل باز دارد (فهیمی، همان: ۷۱).

درآمد حاصل از اشتغال خارج از خانه: در آیات قرآن و روایت‌های معصومین، مالکیت و استقلال مالی زنان همانند مردان محترم شمرده می‌شود و تفاوتی بین حقوق آنها دیده نمی‌شود. خداوند در آیه ۳۲ سوره نسا تساوی استقلال زن و مرد را این‌گونه بیان می‌کند: «مردان را نصیبی از آنچه به‌دست می‌آورند دارند و زنان نیز نصیبی». این آیه آشکارا و با صراحت، زنان و مردان را مالک دستاوردهای خود می‌داند. همچنین از پیامبر اکرم (ص) نیز چنین روایت شده است: «مردم نسبت به اموال و مایملک خود سلطه و استیلا دارند.» (مجلسی، ج ۲: ۲۷۲). در اصل ۲۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز، به تبعیت از قوانین شرعی و اسلامی، چنین آمده است: «همه افراد ملت، اعم از زن و مرد، یکسان در حمایت قانون قرار دارند.» اصل ۴۶ نیز مالکیت همه افراد، اعم از زن و مرد و اعمال آن را به رسمیت شناخته است. «هرکس مالک کسب‌وکار مشروع خویش است و هیچ‌کس نمی‌تواند به‌عنوان مالکیت، نسبت به کسب‌وکار خود، امکان کسب‌وکار را از دیگری سلب کند.»

براساس آنچه گفته شد شایستگی معامله، بهره‌مندی و سایر حقوق مالی در هیچ‌یک از قوانین منوط به مرد بودن نشده و واضح است که در حقوق اسلامی، زن و مرد در کسب مال، انعقاد قرارداد، صلاحیت تملک و اداره اموال هیچ تفاوتی با یکدیگر ندارند و مستقلاً اختیار هرگونه تصرف بر دارایی خود دارند. زن در فقه شیعه و حقوق ایران از نظر مالی مستقل است و اصل بر این است که هر یک از زوجین اختیار هرگونه تصرفی را بر اموال خود دارد؛ تصرف مادی و حقوقی و نیز تصرف در جهیزیه زن یا اموال دیگری که به‌دست می‌آورد. از دیدگاه اسلام هرگز اصل بر اشتراک دارایی نیست و در این زمینه ریاست مرد بر خانواده، اختیاراتی برای او به‌وجود نمی‌آورد. حتی زن برای انجام کارهای خانه شوهر، حق گرفتن دستمزد دارد. همان‌طور که در تبصره ۶ ماده واحده اصلاح مقررات مربوط به طلاق (مصوب ۱۳۷۱ هـ.ش) از آن با عنوان «حق الزحمه» یاد شده است. دریافت اجرت‌المثل منوط به وقوع طلاق نیست و زن در شرایط عادی نیز حق گرفتن اجرت را برای انجام کارهای خانه دارد و با دریافت آن، مالک مستقل آن می‌شود (مهرپور، ۱۳۷۹: ۳۲).

تعریف مفاهیم

منظور از ارزش اقتصادی شغل زن، درآمد ناشی از کار خارج از خانه زن است؛ که در این پژوهش پزشکی مدنظر است. درآمدی که زن پزشک، مستقیماً از بیمار یا با واسطه (با برقراری قرارداد با درمانگاه و بیمارستان و...) دریافت می‌کند.

تفاهم اقتصادی: مشارکت زن در خرید خانه محل سکونت، مالکیت زن بر خانه، خرید خودرو سواری با مالکیت زن، تأمین مخارج خانواده و مشارکت در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی درون خانواده.

تفاهم زناشویی: رضایت شوهر از شغل زن (پزشکی) و رضایت آنان از عملکرد اقتصادی همسر، تفاهم برای استیفای حقوق ذاتی.

روش تحقیق

روش این پژوهش پیمایشی است و هدف آن فقط بررسی تأثیر ارزش اقتصادی شغل زن پزشک بر تفاهم اقتصادی همسران است. ابتدا برای گردآوری اطلاعات پایه، که مبنای تئوریک پژوهش است، از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی و برای نظرسنجی از پرسشنامه و در صورت امکان گفت‌وگو و مصاحبه، استفاده شده است. پرسشنامه نیز از سوی محقق تنظیم و پس از تأیید، به کار گرفته شد. نظر زنان پزشک نیز در گفت‌وگویی کوتاه درباره چگونگی هزینه‌کرد درآمدشان در خانواده، مالکیت و اختیارداری بر دارایی و تأثیر آن بر تفاهم اقتصادی با شوهرانشان گردآوری و نکته‌های مدنظر بررسی و نتیجه‌گیری شده است.

جامعه آماری و نمونه

جامعه بررسی‌شده این پژوهش، زنان پزشک ساکن شهر تهران است. معیار، زنان متأهل پزشک با دست‌کم ۱۰ سال سابقه کار هستند. بنابراین در این معیار پزشکان مطلقه، بیوه و مجرد حذف شده‌اند. در این باره برای نمونه ۲۲۱ نفر از زنان پزشک با تخصص‌های مختلف ساکن تهران را از سالنامه سلامت انتخاب کردیم. همچنین با استفاده از جدول‌های موجود (میرزایی، ۱۳۸۸: ۷ - ۱۸۶)، ۷۰ نفر نمونه برای انجام کار با دقت ۱۰٪ و درصد اطمینان ۹۵ و $P=0/5$ ، ۷۰ مشخص شدند. در نهایت ۶۱ زن پزشک در مدت زمان ۱۶ ماه، آمادگی خو را برای گفت‌وگو یا تکمیل پرسشنامه بیان کردند.

دستاوردهای تحقیق

از آنجا که پژوهش پیش‌رو، در چارچوب روش توصیفی است و همچنین از نظریه‌ها یا مطالعات مرتبط به پرسش اصلی در آن استفاده نشده است، محقق پس از گردآوری پرسشنامه‌ها،

اطلاعات به دست آمده را با استفاده از نرم افزار SPSS و با جدول سازی، نمودار بندی و آمار توصیفی (فراوانی، فراوانی تجمعی، درصد تراکمی) تجزیه و بررسی کرد.

تفاهم اقتصادی

۱. مشارکت در خرید خانه مسکونی: نتایج پژوهش در این زمینه نشان می دهد ۸۲ درصد از زنانی که در رشته پزشکی شاغل اند در خرید خانه مسکونی با شوهر خود مشارکت کرده اند.

جدول ۱. توزیع چگونگی مشارکت در خرید مسکن اصلی

متغیر	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
مشارکت زن در خرید مسکن اصلی	۵۰	٪۸۲	٪۸۲
فقدان مشارکت زن در خرید مسکن اصلی	۱۱	٪۱۸	٪۱۰۰
جمع	۶۱	٪۱۰۰	

۲. مالکیت خانه اصلی: براساس نتایج پژوهش، سند مالکیت خانه مسکونی زنان پزشک با ۳۲/۸ درصد به طور مشترک به نام زوجین ثبت شده است. همچنین ۲۹/۵ درصد، سند مالکیت خانه به نام زن پزشک و ۳/۷ درصد نیز سند مالکیت خانه مسکونی به نام شوهر خانواده است.

جدول ۲. توزیع چگونگی مالکیت خانه مسکونی اصلی

متغیر	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
مالکیت با زن	۱۸	٪۲۹/۵	٪۲۹/۵
مالکیت با شوهر	۲۳	٪۳۷	٪۶۷/۲
مالکیت مشترک زن و شوهر	۲۰	٪۳۲/۸	٪۱۰۰/۰
جمع	۶۱	٪۱۰۰/۰	

۳. مشارکت در خرید خودرو سواری: براساس نتایج پژوهش، نزدیک به ۸۷ درصد زنان پزشک، خودرو سواری شخصی دارند. بیش از ۶۷ درصد هزینه خرید خودرو را از درآمد خودشان و بیش از ۲۱ درصد از راه دیگر یا مشارکت همسرانشان پرداخت کرده اند. همچنین ۱۳ درصد از پاسخگویان، خودرو سواری شخصی ندارند.

جدول ۳. توزیع چگونگی خرید خودرو سواری

متغیر	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
خرید خودرو سواری با درآمد زن	۴۱	٪۶۷/۲	٪۶۷/۲
خرید خودرو سواری با مشارکت همسر یا راه دیگر	۱۲	٪۱۹/۷	٪۸۶/۹
بی نظر	۸	٪۱۳/۱	٪۱۰۰
جمع	۶۱	٪۱۰۰	

۴. مالکیت خودرو سواری: با توجه به نتایج، نزدیک به ۸۷ درصد زنان پزشک که با درآمد خود خودرو سواری شخصی دارند، سند مالکیت را به نام خود ثبت کرده‌اند. با توجه به جدول ۳، بیش از ۶۷ درصد هزینه خرید خودرو را از درآمد خودشان پرداخت کرده‌اند. ۱۳ درصد نیز خودرو سواری به نام خود ندارند.

جدول ۴. توزیع چگونگی مالکیت خودرو سواری

متغیر	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
مالکیت زن بر خودرو سواری	۵۳	٪۸۶/۹	٪۸۶/۹
مالکیت مرد بر خودرو سواری	۸	٪۱۳/۱	٪۱۰۰
جمع	۶۱	٪۱۰۰	

۵. مشارکت در تأمین مخارج خانواده: براساس نتایج، ۹۰/۱۶ درصد از زنان پزشک در تأمین مخارج خانواده با شوهرشان مشارکت دارند و ۸/۱۹ درصد شوهران تأمین مخارج خانواده را به تنهایی برعهده دارند.

جدول ۵. توزیع چگونگی تأمین مخارج خانواده

متغیر	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
مشارکت زن شاغل در تأمین مخارج خانواده	۵۵	٪۹۰/۱۶	٪۹۰/۱۶
تأمین مخارج خانواده برعهده زن شاغل به تنهایی	۱	٪۱/۶	٪۹۱/۷۶
تأمین مخارج خانواده برعهده شوهر به تنهایی	۵	٪۸/۱۹	٪۱۰۰
جمع	۶۱	۱۰۰	

۶. مشارکت در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی خانواده: بیش از ۸۰ درصد تصمیم‌های اقتصادی درون خانواده از جمله خرید وسایل یا هزینه‌کردهای خانه، با مشارکت زن و شوهر است و فقط ۳/۳ درصد زنان پزشک، به‌تنهایی درباره اقتصاد خانواده تصمیم‌گیری می‌کنند. همچنین در ۱۶/۴ درصد نیز مردان به‌تنهایی تصمیم‌گیرنده مسائل اقتصادی خانواده هستند.

جدول ۶. توزیع چگونگی مشارکت در تصمیم‌گیری اقتصادی خانواده

متغیر	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
زن تصمیم‌گیرنده	۲	۳/۳٪	۳/۳٪
مرد تصمیم‌گیرنده	۱۰	۱۶/۴٪	۱۹/۷٪
مشارکت زن و شوهر	۴۹	۸۰/۳٪	۱۰۰٪
جمع	۶۱	۱۰۰٪	

تفاهم زناشویی

۱. رضایت شوهر از اشتغال زن: نتایج پژوهش نشان می‌دهد ۵۷/۳ درصد شوهران از اشتغال همسرانشان رضایت کامل دارند و ۳۷/۷ درصد نیز با اشتغال همسرانشان موافقت. فقط ۱/۶۳ درصد از شوهران مخالف اشتغال همسرشان هستند.

جدول ۷. تقاطع درآمد با رضایت شوهر از اشتغال زن

متغیر	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
کاملاً موافق	۳۵	۵۷/۳٪	۵۷/۳٪
موافق	۲۳	۳۷/۷٪	۹۵٪
مخالف	۱	۱/۶۳٪	۹۶/۶۳٪
بی‌پاسخ	۲	۳/۲۷٪	۱۰۰٪
جمع	۶۱	۱۰۰٪	

۲. رضایت شوهر از عملکرد اقتصادی زن: براساس نتایج، ۵۲/۵ درصد شوهران از عملکرد اقتصادی همسرشان رضایت دارند و ۳/۳۹ درصد نیز از عملکرد اقتصادی همسرشان رضایت ندارند.

جدول ۸. تقاطع رضایت شوهر از عملکرد اقتصادی زن

متغیر	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
رضایت شوهر از عملکرد اقتصادی زن	۳۲	۵۲/۵٪	۵۲/۵٪
نارضایتی شوهر از عملکرد اقتصادی زن	۲۴	۳۹/۳٪	۹۱/۸٪
بی پاسخ	۵	۸/۲٪	۱۰۰٪
جمع	۶۱	۱۰۰٪	

۳. تفاهم برای استیفای حقوق ذاتی: دریافت نفقه از حقوق ذاتی زنان است ولی نتایج تحقیق نشان می‌دهد که به دلیل ناآگاهی زن یا شوهر از چگونگی شرایط نفقه، درآمد داشتن زن و مواردی دیگر؛ ۸۵/۲ درصد از زنان پزشک از همسرشان درخواست نفقه ندارند و فقط ۱۴/۸ درصد زنان درخواست دریافت نفقه از شوهرانشان را دارند. همچنین بر مبنای این پژوهش، ۳۹/۳ درصد شوهران، خود را به پرداخت نفقه ملزم می‌دانند و ۶۰/۷ درصد از شوهران نیز خود را ملزم به پرداخت نفقه نمی‌دانند.

جدول ۹. توزیع درخواست زن برای دریافت نفقه از شوهر

متغیر	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
درخواست نفقه از شوهر	۹	۱۴/۸٪	۱۴/۸٪
نخواستن نفقه از شوهر	۵۲	۸۵/۲٪	۱۰۰٪
جمع	۶۱	۱۰۰٪	

جدول شماره ۱۰. چگونگی تعهد شوهران به پرداخت نفقه

متغیر	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
پرداخت نفقه به زن	۲۴	۳۹/۳٪	۳۹/۳٪
نپرداختن نفقه به زن	۳۷	۶۰/۷٪	۱۰۰٪
جمع	۶۱	۱۰۰٪	

بحث و نتیجه گیری

مجموعه بررسی‌های این تحقیق نشان می‌دهد که درآمد اقتصادی بالای زنان و در پی آن افزایش اقتدار اقتصادی آنان در خانواده، با وجود فراهم کردن زمینه‌های تفاهم بیشتر در جوهی از

شاخص‌ها برای ارتقای نقش زن، اما در وجوه دیگری از شاخص‌ها نه تنها منجر به ارتقای جایگاه او نشده بلکه محدودیت‌هایی را نیز برای او به وجود آورده است. جدول ۱۱، فواید و محدودیت‌های افزایش اقتدار اقتصادی زنان را در شاخص‌های تفاهم به تفکیک نشان می‌دهد.

جدول ۱۱. فواید و محدودیت‌های افزایش اقتدار اقتصادی زنان

۱- تفاهم برای استیفای حقوق ذاتی	به نام بودن مسکن	مزیت
۲- تفاهم برای استیفای امتیازات اضافی	تأمین هزینه مسکن	محدودیت
۳- تفاهم برای دخالت زن در تصمیمات	به نام بودن خودرو	مزیت
۴- تفاهم برای بهره‌برداری از درآمد	تأمین هزینه خرید خودرو	محدودیت
۵- تفاهم برای جلب نظر شوهر	داخل خانه	مزیت
	خارج از خانه	مزیت
	چگونگی هزینه‌کرد	محدودیت
	میزان هزینه‌کرد	محدودیت
	جهت اشتغال	محدودیت
	رفتار شوهر در صورت هزینه نکردن	محدودیت
	مهریه	محدودیت
	نقله	محدودیت

محدودیت: امکاناتی که زن به‌تنهایی فراهم می‌کند یا امکاناتی که در اختیار زن قرار نگرفته است.

مزیت: امکانات اقتصادی‌ای که در اختیار زن قرار گرفته شده یا به او داده شده است. با توجه به نتایج جدول ۱۱ فواید اصلی درآمد بالای زنان و اقتدار اقتصادی برآمده از آن را عمدتاً باید در شاخص‌های سوم و پنجم تفاهم (تفاهم برای دخالت زن در «تصمیم‌گیری مشترک» / تفاهم در جلب نظر شوهر برای اشتغال) جست‌وجو کرد. در مقابل اقتدار اقتصادی زن نه تنها در گزینه چهارم تفاهم (تفاهم بهره‌مندی از درآمد) مزیت خاصی را برای او نداشته است بلکه در این‌باره وضعیت او مشابه وضعیت دیگر زنان است؛ همچنین «چگونگی» و «میزان» هزینه‌کرد درآمدش شباهت فراوانی به چگونگی و میزان هزینه‌کرد درآمد ناشی از شوهر زنان دیگر دارد.

این محدودیت در شاخص اول تفاهم (استیفای حقوق ذاتی) حتی ممکن است بیشتر از محدودیت‌های معمول زنان قشر متوسط باشد. برای نمونه استیفای نفقه در زنان قشر متوسط امری معمول و مناسب تلقی می‌شود در حالی که این موضوع در زنان پزشک تقریباً بی‌معنا و ناموجه است. زنان پزشک با توجه به درآمد ناشی از اشتغال خارج از خانه، چون خود در تأمین نیازها و مخارج خانواده به شوهرشان کمک می‌کنند نیازی به نفقه ندارند یا شوهرانشان این‌گونه تصور می‌کنند که نفقه فقط به زنان خانه‌دار و بدون درآمد تعلق می‌گیرد؛ بنابراین زنان شاغل به نفقه نیاز ندارند. درضمن شاید درخواست نفقه باعث کدورت زن و شوهر شود.

درباره شاخص دوم تفاهم (استیفای امتیازات اضافی) با وجود به نام شدن خانه اصلی یا خودرو سواری، مزیت‌هایی نسبت به زنان دیگر دارد؛ اما برای تأمین هزینه‌های نامبرده، محدودیت‌های جدیدی برای خود به وجود می‌آورد که درخصوص زنان دیگر درست نیست.

درنهایت تفاهم اقتصادی زناشویی در این پژوهش با دیدگاه‌های اسلامی هماهنگی دارد و براساس آن بالاتر بودن اقتدار اقتصادی شوهر نسبت به زن، تفاهم بیشتر در پی خواهد داشت، در مقایسه با خانواده‌هایی که جایگاه مرد و زن در تأمین مخارج خانواده جابه‌جا شده است.

همچنین با توجه به بررسی‌ها، ارتقا جایگاه زن از مشاور شوهر به متفاهم (همکار) با او نه تنها لزوماً به اقتدار اقتصادی نمی‌انجامد بلکه اقتدار اقتصادی با وجود گشایش‌هایی برای وی، ممکن است محدودیت‌های جدیدی به وجود آورد. بنابراین در شرایطی که هم چالش‌ها و فرصت‌های برآمده از اقتدار اقتصادی زن و هم اقتدار اقتصادی همه‌جانبه مرد، از اقتدار اقتصادی زن می‌کاهد بنابراین در چنین وضعیت متعادلی باید به منابع دیگر اقتدار توجه و تمرکز کرد همانند متغیرهای مستقل‌تر. درواقع اقتدار اقتصادی زن، متغیری مستقل در شکل‌دهی به تفاهم اقتصادی یا تفاهم عمومی او با همسرش نیست و نقش متغیرهای دیگر فرهنگی و رفتاری در شکل‌دهی به تفاهم پُررنگ‌تر به نظر می‌رسد.

منابع

- قرآن مجید
- امینی، ابراهیم (۱۳۹۰)، آشنایی با وظایف و حقوق زن، قم: مؤسسه بوستان کتاب.
- فهیمی، فاطمه (۱۳۹۰)، زن و حقوق مالی (مطالعه تطبیقی در حقوق اسلام، ایران و کنوانسیون رفع تبعیض از زنان)، تهران: انتشارات خرسندی.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۲)، عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ، ترجمه احمد علیقلیان، افشین خاکباز و حسن چاوشیان، تهران: طرح نو.
- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار (ج ۱۰۳)، قم: بوستان کتاب.
- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار (ج ۲)، قم: بوستان کتاب.
- مهرپور، حسین (۱۳۷۹)، مباحثی از حقوق زن، تهران: انتشارات اطلاعات.
- میرزایی، خلیل (۱۳۸۸)، پژوهش، پژوهشگری و پژوهش‌نامه‌نویسی (جلد ۱ و ۲)، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- میرزایی، خلیل (۱۳۸۸)، پژوهش، پژوهشگری و پژوهش‌نامه‌نویسی، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- واحدی، مصطفی (۱۳۸۷)، حقوق خانواده در سوئد، تهران: گنج دانش.